

## بحران انتخابات مجلس هفتم

ما ندارند و در نهایت این مردم هستند که بایستی تصمیم نهایی خودشان را بگیرند.

**ا.م.ک.:** آقای داریوش همایون، از لحاظ شما مجموعه این داده‌ها و آگاهی‌ها درباره موضع آقای خاتمی وجهه ایشان را در چه موقعیتی قرار داده است؟

**داریوش همایون (رایزن شورای مرکزی حزب مشروطه ایران):** آقای خاتمی این که اظهار نظر نکرده است که مردم شرکت بچینند، نه از این بابت بوده است که ناخرسندی خودش را نشان دهد، بلکه از این نظر بوده است که می‌داند دیگر مردم به سخن او کمترین توجهی نمی‌کنند و در نتیجه بیش از این خودش را سبک نکرده است. خاتمی تأثیری نداشته است مدت‌ها است در روند سیاسی ایران، امروز هم ندارد و زمان را خواهد گذراند تا پایان دوره ریاست جمهوری به یک صورتی، چند تا هم سخنرانی خواهد کرد مثل همیشه. مساله عمده این است که مردم ایران چه واکنشی نشان بدهند که آن جور که تصور می‌رود و پیداست، تقریباً کسی شرکت نخواهد کرد در این انتخابات جز یک درصد بسیار کوچکی به دلایل گوناگون و اصلاً موضوع دوم خرداد و اصلاحات توسط اصلاحگران از درون برچیده شده است و من یک جایی دیدم که نوشته بودند که جنازه مردم سالاری حال باید تشییع بشود، مردم سالاری در کار نبوده است در این شش - هفت سال هم.

**ا.م.ک.:** خانم ملیحه محمدی، الان فکر می‌کنید که در شرایط فعلی آقای خاتمی در چه موقعیتی قرار گرفته‌اند از لحاظ وجهه عمومی؟

**ملیحه محمدی (فعال سیاسی طیف چپ، برلین):** به لحاظ وجهه عمومی مشخص است که ما با یک افکار عمومی مواجه هستیم که به اصطلاح تب و تاب‌های خودش را دارد در بحران‌های اجتماعی. آقای خاتمی به اصطلاح درصد محبوبیتشان در جامعه همین طور که از نظرگاه‌های گوناگونی صحبت می‌شود، افول داشته است. در این شکی نیست. چنین موضعی که اخیراً ایشان گرفته‌اند، مسلماً در اذهان ساده‌تر آقای خاتمی خیلی سریعتر متهم می‌شوند، برای این که صورت ظاهر قضیه عقب نشینی است و عقب نشینی به هر حال خوشایند انسانی که رو به آینده دارد هیچ وقت نبوده است. من این احتمال را می‌دهم که بر اساس نگاه خودم که معتقدم که دوم خرداد تاکنون کمترین دستاوردش برآمد اپوزیسیون در درون حاکمیت است، آگاهی جامعه به خواسته‌های خودش و پایداری بخش‌های آگاه جامعه بر این خواسته، این‌ها دستاورد دوم خرداد است. یعنی که دستاوردهای این روندی است که با همه نواقصش و افت‌وخیزهایش تا به امروز و این جا آمده و بوده است. حالا استعفا مجلسی‌ها و پایداری مجلسی‌ها رویکردی از این روند است و ایستادن آقای خاتمی و دولت‌ش بر این جایی که الان هستند و پافشاری بر این که آن جایی که بودند کماکان باقی مانده‌اند، رویکرد دیگری است. جامعه باید تعدلی داشته باشد در شریط بحرانی و من معتقدم که حضور آقای خاتمی می‌تواند

**امیر آرمین (رادیو فردا):** انتخابات مجلس هفتم محمد خاتمی، رئیس جمهوری ایران، را در موقعیتی بغرنج قرار داده است. بخش قابل توجهی از جناح اصلاحگرا و هواخواهان اصلاحات در میان برخوردار بودن از شرایط رای، چشم به این دوخته بودند که در صورت عدم عقب نشینی کامل شورای نگهبان از رد گسترده صلاحیت همه نمایندگان داوطلبی که قانوناً مشکلی نداشتند، محمد خاتمی و دولت او انتخابات را برگزار نکنند. اما آقای خاتمی اعلام کرده است که در شرایط کنونی بهتر آن است که با تمام ایرادها و نواقص موجود، دولت انتخابات را برگزار کند. مساله تأثیر این موضع گیری آقای خاتمی بر میزان اعتبار او بر افکار عمومی، موضوع میزگرد امشب رادیو فردا درباره مجلس هفتم است. آقای محمد بسته نگار، فعال ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در تهران؛ داریوش همایون، رایزن شورای مرکزی حزب مشروطه ایران؛ و ملیحه محمدی، فعال سیاسی طیف چپ در برلین؛ میهمانان این میزگرد هستند و امیر مصدق کاتوزیان گرداننده آن است. با هم گوش می‌کنیم.

**امیر مصدق کاتوزیان (رادیو فردا):** در این میزگرد در چهارچوب بررسی انتخابات مجلس هفتم، قصد داریم به این موضوع بپردازیم که در ارتباط با این انتخابات محمد خاتمی، رئیس جمهوری ایران، در چه موقعیتی قرار گرفته است؟ می‌دانیم که آقای خاتمی در تازه ترین نطق خود از توصیه به مردم برای مشارکت در انتخابات دوری جویی کرده‌اند و پاره‌ای از تحلیلگران همین را نشانه‌ای از ناراضی‌ت‌ی او از شرایطی دانسته‌اند که قرار است انتخابات مجلس هفتم در آن برگزار شود، به ویژه که در ارتباط با همین انتخابات می‌دانیم که آقای خاتمی قبلاً گفته بودند که دولت ایشان تنها انتخاباتی را برگزار خواهد کرد که رقابتی و آزاد باشد، در عین حال این که به رد گسترده صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان انتقاد کرده بود. از طرف دیگر بعد از گفته رهبر جمهوری اسلامی که انتخابات نباید عقب بیافتد و باید روز اول اسفند سر موعد برگزار شود، آقای خاتمی گفتند انتخابات سر موعد برگزار خواهد شد. الان هم شماری از احزاب اصلاحگرا گفته‌اند برای تسلیم نکردن تمامی کرسی‌های مجلس به جناح راست، در انتخابات شرکت خواهند کرد و مردم را دعوت به شرکت در این انتخابات می‌کنند. حال تمام این‌ها آقای خاتمی را در چه موقعیتی قرار داده است از لحاظ اعتباری که در افکار عمومی جامعه داشته و دارد؟ آقای محمد بسته نگار، با پاسخ شما به این سوال آغاز می‌کنیم.

**محمد بسته نگار (فعال ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی، تهران):** با توجه به این مساله که آقای خاتمی از هفته‌های گذشته خیلی اصرار عجیبی داشتند به این که انتخابات بایستی آزاد، عادلانه، و رقابتی باشد؛ به دلایلی چون می‌بیند که این مساله کاملاً قابل اجرا نیست به نحوی عقب کشیده‌اند. حال ما با تمام احترامی که به ایشان داریم، چون با اساس قیم سالاری و صغیر دانستن مردم مخالفیم، بزرگان و شخصیت‌های ما هرچند که برای ما عزیز و گرانقدر هستند و دیدگاه‌های آن‌ها برای ما محترم است، ولی حق برخورد قیم مابانه با

تضمینی باشد بر این که یک سرکوب و قلع و قمعی صورت نگیرد اولاً از اصلاح طلبان و از نیروهایی که دارند به صراحت، نظیر آقای بسته نگار، ملی - مذهبی ها، و نیروهای دیگری که در ایران هستند، به استلزام این که به هر حال رئیس جمهوری آن جا است که آن ها می دانند به لحاظ اندیشکی با نیرویی هست که الان استعفا کرده، بیرون صحنه است، و تحریم کرده است و به لحاظ قانونی هنوز آن جا جایگاه دارد. این یک تضمین است از این بابت خوشایند است و من فکر می کنم که وجود اپوزیسیون قانونی در ایران در صورتی که بتواند موفق شود، حالتی که جامعه دچار سرکوب نیروهای میانه نباشد که رادیکال ها آن جا به طریق اولی محرومتر خواهند بود، این ها می تواند دستاوردهای مثبت ایستادگی خاتمی و دولت باشد مضافاً بر این که آن ها می توانند امانتدار این انتخاباتی باشند که اگر به دست جناح راست بیافتد قطعاً هر چیزی که خودشان می خواهند را به هر ترتیبی که می خواهند از تنور در خواهند آورد.

**ا.م.ک.:** آقای بسته نگار، صحبت های خانم محمدی را شنیدید. حال صحبت ایشان ناظر بر این است که آقای خاتمی رئیس جمهوری هستند معقود به نظام، اما در عین حال منتقد نظام هم هستند. چنین رئیس جمهوری به طور عملی چکار می تواند بکند که وجهه اش به آن صورتی که آقای همایون می گویند که مدت ها است به آن لطمه زده شده است، جور دیگری باشد؟

**محمد بسته نگار:** یکی از ویژگی های آقای خاتمی این بود که هیچ گاه در صدد این نیامده است که افکار و اندیشه های خودش را به مردم تحمیل کند و این به دنبال افکار و اندیشه هایی بوده است که در گذشته امثال مرحوم بازرگان، مرحوم طالقانی، شریعتی، مطهری، و دکتر مصدق داشته اند و آقای خاتمی هم دنباله رو همین تفکر و همین اندیشه بوده است. منتهی انتقادی که ما داریم این است که آقای خاتمی پیش از این ها می توانست در مقابل این مسائلی که در پی چند هفته اخیر به وجود آمده است، ایستادگی بکند. شما اگر اصل نهم قانون اساسی را ملاحظه بفرمایید، در آن جا می گوید در جمهوری اسلامی ایران هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. این است که بر این اساس آقای خاتمی می توانست روی آزادی های مشروع که مهمترین آن ها آزادی انتخابات است، بیش از این مقداری که بود پافشاری کند.

**ا.م.ک.:** آقای همایون، پاسخ بدهید به نقطه نظر خانم محمدی و همین طور اگر نکته ای هست در مورد حرف های آقای بسته نگار.

**داریوش همایون:** خاتمی تردیدی نیست که در دو سال اول ریاست جمهوری اش آثار خوبی به جا گذاشت که خودش تصمیم گرفت که دنبال نکند و درست در اختیار ولایت فقیه قرار بگیرد که این چهار - پنج سال اخیر در این نقش سپری شده است. اما راجع به این که او دنباله رو آن بزرگورانی است که آقای بسته نگار گفتند، من سترونی آقای خاتمی و بی اثری اش را فقط ناشی از کاستی های کاراکترش نمی بینم. همان عقایدی که مجموعه رئیس جمهوری فعلی را تشکیل می دهد و زمینه

فکری و زمینه عملکردش را تشکیل می دهد، سترونی و بن بست در همان جاها است. این موادی که از قانون اساسی می خوانند، همه درست است، ولی قانون اساسی جمهوری اسلامی هم مثل خود قرآن پر از احکام ناسخ و منسوخ است. بسته به این است که زور در دست کیست و از قرآن هم تعبیرهای گوناگون می کنند. فقه پویا از تویش در می آورند و فقه پویا اولین محصولش البته نظریه ولایت فقیه است و زور از آغاز در طرف ولایت فقیه و شورای نگهبان بوده است که آن مواد را اگر بخوانیم، می بینیم که اصلاً این یک ماده ای را که قرائت فرمودند به طور کلی از اعتبار می اندازد. ما در ایران با یک نظامی سر و کار داریم به کلی ناهنگام و متعلق به هزار سال پیش. این با قرص های مسکنی مثل خاتمی اصلاح پذیر نیست و اتفاقاً یک نقص این جور اصلاحگران این است که مدت ها تصمیم گیری را به عقب می اندازند و مردم را دچار توهم می کنند و افکار عمومی جهان را به اشتباه می اندازند که زمانش به هر حال سرآمده است و تقصیر خودشان هم هست. موضوع فقط خاتمی هم نیست، اگر مجلس ششم در همان یکی دو ماه اول شروع به کارش این مقاومتی که وقتی صلاحیت خودشان را رد کردند نشان داده بود، اصلاً سرنوشت ایران و سرنوشت اصلاحات عوض شده بود. ولی خوب، نیست، در آن ها اصلاً آن علاقه و آن بستگی و آن تعهد نه به دموکراسی است و نه به آینده ایران. نگران خودشان و نام خودشان هستند که بر باد رفت و از بین رفت.

**ا.م.ک.:** خانم محمدی، صحبت های آقای همایون را که در جاهایی با صحبت های شما کاملاً تفاوت داشت، شنیدید. حال درخواستم از شما این است که علاوه بر این که اگر واکنشی دارید که می خواهید نشان بدهد، این کار را بکنید؛ به این پرسش هم جواب بدهید که بعضی از تحلیلگران می گویند که به هر حال جنبش دوم خرداد و آمدن سر کار اصلاح طلبان و آقای خاتمی در راستشان متکی به افکار عمومی مردم و حمایت آن ها بود. آیا این که این افکار عمومی آن طور یکه خودتان می گویند دیگر سمت و سوی دیگری دارد می گیرد، باعث نمی شود که یک مقدار آن پیشرفت هایی که به آن اشاره می کنید در مرحله عقب نشینی برود؟

**ملیحه محمدی:** من فکر می کنم که دستاوردهای دو خرداد در یک وجوهی از خودش برگشت ناپذیر است. این نکته هم که اصلاً دو خرداد حاصل اراده جامعه بوده است، جز این نمی تواند در هیچ جامعه ای اتفاقی به این شکل بیافتد. این دستاوردها بخشا تغییر ناپذیر هستند، یعنی من زمانی که آقای خاتمی کاندید شده بود، بحث زیاد بود همان موقع برای این که تحریم بشود و آن انتخابات نشود. استدلال من این بود که چنین حضوری با چنین مانیفستی، برای من آن زمان قابل اجرا نبود آن زمان وعده های آقای خاتمی، مهم این بود که چنین مانیفستی ارائه بشود و ارتقاء خواست جامعه را در پی داشته باشد. این نفر بعدی هر کس که باشد، گیرم که آقای خاتمی نتواند منصرف بشود، مساله این بود که این ادعاها، ادعاهای جامعه خواهد شد و چنین شده است تا حالا. جامعه راه های گوناگونی را برای تغییر در پیش روی خودش داشته است، شورش هایی اتفاق افتاد در شهرهای ایران. دیدیم که پی گرفته نشد. مجموعه جامعه ایران و مجموعه دلایلی که این جا جای بحث نیست، انتخاب کرد

احساس می‌کنید که ممکن است که حرکات غیر قابل پیش بینی را ما شاهدش باشیم؟

**داریوش همایون:** کسانی ممکن است که صد سال فرصت داشته باشند، ولی من فکر نمی‌کنم که مردم ایران تحمل صد سال دیگر تحول آرام لاک پشتی حلزون آسای به سوی دموکراسی را داشته باشند. این که کاسه و کوزه‌ها به سر دین شکسته می‌شود، تقصیر کسانی نیست که از آغاز می‌گفتند که دین را از حکومت جدا بکنید، تقصیر حکومتگران اسلامی است که مردم را به جایی رساندند که همه کاسه کوزه‌ها سر دین شکسته می‌شود. ما همچنان می‌گوییم که دین باید در خانه مرم و در مسجد جا داشته باشد و احترامش محفوظ، ولی به کلی از سیاست و از حکومت بیرون برود. برای این که نتیجه‌اش را در ۲۵ سال می‌بینیم و احتمالا خیال دارند صد سال دیگر را هم ببینیم. مبارزه مردم ایران وارد مرحله دیگری شده است و ما به عنوان نیروهای مخالف نباید بگذاریم که حالت انفعالی ادامه پیدا کند و من تصور نمی‌کنم که با تحولاتی که در پیش است در درون ایران و در بیرون ایران، کار خیلی خیلی طول بکشد. جمهوری اسلامی رسیده است به یک بزنگاه‌هایی که باید تکلیفش روشن بشود. این وضعی که در ایران است قابل تحول نیست و به هر حال مردم تکلیف این حکومت را باید روشن بکنند.

**ا.م.ک.:** خانم محمدی، نوبت به جمع بندی شما رسیده است.

**ملیحه محمدی:** من اول در تایید صحبت های آقای بسته نگار خدمت آقای همایون بگویم که این درست است که حکومتگران ایران به واقع کاری کرده‌اند که همه به اصطلاح پیکان‌های حمله در تحلیل وضعیت ایران متوجه دین بشود، اما این یک فرایند عمومی است و کارشناسان سیاسی نباید با این دید نگاه بکنند به مساله. اگر ما دینی و غیر دینی نمی‌کنیم، پس اساسا نکنیم. استبداد در ایران تاریخ طولانی دارد. با این تعبیر هم که دین اساسا از سیاست برود بیرون، باز هم مخالفم. این هم حقوق بشری نیست. ما در اروپا احزاب دموکرات مسیحی داریم که معتقد به آزادی بی دینی هستند و آزادی انتخاب دین و مسائلی از این نظر که مزاحم زندگی دیگران به قید دین یا بی دینی نباشند. با چنین رویکردی به اسلام، اگر موجود باشد، اسلام در سیاست هم دخالت بکند همان طور که مسیحیت هم دارد در غرب می‌کند. اما در مورد این که دو خرداد من معتقدم که دستاوردهایی داشته است که جامعه را به لحاظ آگاهی به حقوق خودش به سطحی بالاتر و به یک سیکل بالاتر رسانده است، من معتقد هستم که درس گرفته‌اند از همین اقتدار گرایان. این‌ها برنامه‌اش این نخواهد بود و به آزادی فردی مردم فشار نخواهند آورد. یعنی این کارت را از دست اصلاح طلبان خواهد گرفت. خطری که ما در پیش روی خودمان داریم، اختناق سیاسی است مثل گذشته در ایران. خطر این نوع اختناق دوباره در ایران خواهد بود به این ترتیب که غرب هم به ناچار (باید به غرب حق داد) می‌خواهد ببیند که در ایران با چه کسی طرف است. نمی‌تواند که با یکی توافق کند و با دیگری حزب الله را در منطقه به حرکت بیاورد. حال مجموعا با تمام مسائلی که هست، من معتقدم که جریان راست قدرت را به دست خواهد گرفت، مجلس را به دست خواهد گرفت در کمیت معین یعنی کمیت بالا، اما مجموعه راوابطی که با

راهی را که کم هزینه باشد. حال آن افکار عمومی اما به کجا معطوف است، من معتقدم دوره دوره انفعال سیاسی است. در چنین دوره انفعال سیاسی، بازی سیاسی معین که بتواند کاری بکند که جامعه به سوی هیچ کدام از افراطی‌گری‌ها نرود، شرط به اصطلاح تحقق و رشد نیروهای دموکرات است. در مورد صحبت‌های آقای همایون من معتقدم که این نسل از سیاستمداران ایرانی به لحاظ تعهد و به لحاظ این که به نام و ننگ خودشان پایبند نبودند، بلکه پی‌ارزش‌هایی بودند که صداقت این را هم داشتند که وقتی این ارزش‌ها در طی زمان محقق نمی‌شود به قدرت زمانه نه بگویند، این‌ها بی‌نظیر هستند در تاریخ ما. اولین کسان در تاریخ سیاسی ما هستند که در عین این که در قدرت بوده‌اند و امکان بهره برداری از آن را هم داشتند، به قدرت نه گفتند. بنابراین من به صحبت‌های آقای همایون در این بخش معترض هستم. این‌ها کسانی هستند که معتقد به رادیکالیسم اسلامی بوده‌اند، اما وقتی که دیدند که ارزش‌های مورد اعتقاد آن‌ها را پاسخ نمی‌دهد آن حرکت، آمدند و ایستادند. من این را به فال نیک می‌گیرم. واقعا خجسته‌ترین اتفاقی است که می‌تواند در یک جامعه‌ای که می‌خواهد گذار مسالمت آمیز داشته باشد به دموکراسی، یک روند خجسته‌ای است که آن وقت از دل حاکمیت مخالفت معقولی صورت گیرد که خواستار تغییر همان حاکمیتی بشود که روزی ۹۸ درصد مردم به آن رای مثبت دادند.

**ا.م.ک.:** حال به مرحله جمع بندی می‌رسیم. آقای بسته نگار، این انتخابات مجلس هفتم ایران را در شرایطی گذاشته است که مثلا آن طوری که آقای همایون اشاره می‌کنند، برای تحول بعدی آماده شده باشد؟

**محمد بسته نگار:** ما اگر همه کاسه کوزه‌ها را بخواهیم به گردن اسلام بیاندازیم، این کار درستی نیست. ما در گذشته هم می‌بینیم در رژیم قبل یک رژیم سکولاری در جامعه ما حاکم بود و آن نهایت استبداد و شکنجه‌خانه‌هایی که او درست کرده بود که خود من هم یک قسمتش را لمس کردم، آن بود که مردم از آن حکومت سکولار و لائیک زده شدند و به طرف دین آمدند. حال جامعه ما از این طرف عکس العمل دارد نشان می‌دهد. وظیفه روشنفکران و آگاهان جامعه است که با مسائل اجتماعی و با پیشامدهایی که به وجود آمده است، برخورد عکس العملی نکنند و مردم را نسبت به این روندهای انجام شده آشنا بکنند. من هم تقریبا در این جا با خانم محمدی هم صدا هستم که در کل و در مجموعه پیشامدهایی که به وجود آمده است و علی‌رغم فراز و نشیب‌ها و علی‌رغم تمام سختی‌ها، ما همیشه رو به جلو بوده‌ایم. این که ما فکر کنیم در عرض چند سال و چند ماه دو مرتبه در جامعه ما دموکراسی نهادینه می‌شود، این اشتباه است. انتخابات مجلس هفتم را هم من با این دید نگاه می‌کنم، با یک دیدی بدبینانه‌ای به این مسائل نگاه نمی‌کنم. می‌تواند چشم اندازی باشد برای یک آینده روشن که نمونه‌اش این مبارزات ۱۵۰-۱۰۰ ساله ملت ما است.

**ا.م.ک.:** آقای همایون، در جمع بندی‌تان این نکته را توضیح دهید که روند دگرگونی را شما به اندازه آقای بسته نگار طولانی می‌بینید و ممتد، یا این که

**داریوش همایون:** راجع به سیاست و حکومت عرض می کنم که حزب دموکرات مسیحی در آلمان هرگز نمی تواند بگوید که زن نصف مرد است، دیه اش نصف مرد است، قانون قصاص است، چند همسری است، و اقلیت ها محروم هستند.

**ملیحه محمدی:** دقیقا.

**داریوش همایون:** ولی یک حزب دموکرات اسلامی اگر این حرف ها را نزد دیگر دموکرات اسلامی نیست، حزب دموکرات است. نکته دیگر این که سیاست مقدمه حکومت است. شما می توانید بگویید که دین در حکومت مداخله نکند، ولی در سیاست مداخله بکند. خوب، نتیجه اش این است که به حکومت برسد. بازی با کلمات نمی کنیم. باید دین از دو عرصه عمومی بیرون برود، هیچ چاره دیگری ندارد. تجربه صد ساله گذشته ایران به بهترین صورت این را ثابت کرده است.

[Link to original article](#)

دیگران و با بیرون برقرار کرده است به ازای تلاشی که اصلاح طلبان کرده اند و هزینه ای که پرداخته اند، ممکن است آنان را ملزم بکند که در این زمینه ها هم فشار بیش از حد وارد نکند و مسائلی را که دارند در جهان، وقتی که آچمز می شوند به خاطر مشکلات این جویشان، بتوانند این ها را حل کنند. بنابراین تاثیر دو خرداد در مسائل آینده، تاثیری خواهد بود که همواره تاریخ روی آن تاکید می کند: ارتقاء سطح آگاهی ها و خواست های جامعه به نوعی که بی بازگشت بکند این ها را. ما امروز زندانی سیاسی داریم، ولی زندانی که حرفش در دنیا شنیده می شود. این بسیار متفاوت است. این روند نباید قاعدتا به عقب برگردد، مگر این که کسانی که امروز در سیاست اجرائی مملکت نقش دارند (بخشی از اصلاح طلبان را می گویم که در قدرت هستند) این ها اشتباهات جبران ناپذیر بخواهند بکنند. من نگاهم به آینده با برآمد اپوزیسیون منطقی - قانونی در ایران و باز شدن راه برای دیگران که رادیکالتر هستند، مثبت است.

**ا.م.ک:** آقای همایون، نکته دیگری نمانده است خیلی خلاصه؟